

چندی پیش، دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران نتیجه مطالعه‌ای را با عنوان «طرح آمارگیری گذران وقت در نقاط شهری» منتشر کرد که در آن به گذران وقت در جامعه ایرانی بالای ۱۵ اسال پرداخته شده بود. نتایج این بررسی که در همین صفحه، چکیده آن ارائه می‌شود، گماکان از کمبود اعتماد و تعلق در جامعه ایرانی و نیز تبعیض‌های جنسیتی در حوزه تفریح و اشتغال حکایت دارد. با سعید معیدفر، جامعه‌شناس، در مورد این تحقیق و نتایج آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

۴ در نتایج طرح آمارگیری گذران وقت در نقاط شهری ایران، مشاهده می‌شود که بیشترین زمان اختصاص‌یافته افراد صرف مراقبت‌های شخصی می‌شود. بلافاصله پس از آن استفاده از رسانه‌های جمعی بیشترین زمان افراد را در جامعه ایران به خود اختصاص داده است. در جایی که مواردی مانند تفریح، ورزش، مشارکت‌های اجتماعی، اشتغال، خانه‌داری و… در این بررسی دیده شده است، میزان قابل‌توجه زمان اختصاص‌یافته به رسانه‌های جمعی را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

به نظر می‌رسد جامعه آماری‌ای که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته، افراد بالای ۱۵ سال هستند. طبیعی است که با به‌تعمیق‌افتادن زمان مستقل‌شدن جوانان و اینکه آنها در این دوره‌های سنی بیشتر در حال تحصیل هستند به علاوه اینکه اشتغال در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و جوانان اکثرا بی‌کار هستند، طبیعی است که بیشترین فرصت را برای استراحت و مراقبت شخصی اختصاص می‌دهند. البته در این بررسی رسانه‌های جمعی به شکل تفکیک‌شده وجود ندارد کمالاتکه اگر به صورت تفکیک‌شده به این دو نگاه کنیم، مشاهده‌ها می‌تواند به این شکل باشد که جوانان به دلیل عدم اشتغال و داشتن اوقات فراغت زیاد، بیشتر درگیر اینترنت و فضای شبکه‌های اجتماعی هستند درحالی‌که میان‌سالان بیشتر از تلویزیون استفاده می‌کنند.

۴ با این فرض که در مورد جوانان بالای ۱۵ سال به دلیل نبود شغل، زمان فراغت قابل‌توجهی وجود دارد، احتمالاتی از انتظارات می‌تواند این باشد که این دسته به فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی و ورزشی نیز زمان درخوری اختصاص دهند اما در عمل مشاهده می‌شود که اقبال به رسانه‌های جمعی گماکان از فعالیت‌های مورد اشاره بیشتر است. این مورد را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

البته من نمی‌توانم چندان به نتایج این بررسی ارجاع بدهم زیرا گروه‌های سنی در آن از هم تفکیک نشده و درعین‌حال اینترنت و تلویزیون هم تومان بررسی شده است. در اینجا ترجیح می‌دهم به نتایج مطالعات دیگری اشاره کنم که مدتی پیش در تهران انجام شد؛ در این مطالعه میزان مصرف کالاهای فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اقشار میان‌سال و بالاتر گاهی اوقات ممکن است سه تا چهار ساعت در شبانه‌روز را به تماشای تلویزیون بپردازند. در مورد جوانان عمده این وقت به استفاده از اینترنت و کامپیوتر اختصاص دارد.

۴ نتایج بررسی مرکز آمار نشان می‌دهد که بالای ۱۳ ساعت در شبانه‌روز به مراقبت‌های شخصی اختصاص دارد و درمقابل تنها دودقیقه به فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه. این نتیجه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

البته باید به این نکته توجه داشت که خواب، غذاخوردن و مواردی مانند حمام‌کردن نیز ذیل مراقبت‌های شخصی در نظر گرفته شده است و این‌گونه نیست که همه این ۱۳ ساعت کذایی اوقات فراغت باشد. اما در مطالعه‌ای دیگر ما این پرسش را مطرح کردیم که «زمان فراغت خود را به چه کاری اختصاص می‌دهید؟» نتیجه قابل‌توجهی که به دست آمد این بود که بسیاری از افراد مورد‌مطالعه در پاسخ می‌گفتند آن قدر خسته هستند که زمان فراغت خود را به خوابیدن اختصاص می‌دهند. در نتیجه این‌گونه نیست که لزوماً افراد برای خود کار خاصی انجام دهند که برای دیگران آن را انجام نمی‌دهند. اما نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، در مورد کارهای خیریه و فعالیت‌های داوطلبانه است. طبیعی است که در جامعه ما که انجمن‌ها و نهادهای مدنی و نیز مشارکت اجتماعی بسیار پایین است، میزان فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه در جدول نیز به شکل قابل‌توجهی پایین باشد. اما چرا میزان فعالیت نهادهای و فعالیت‌های جمعی پایین است؟ دلیل آن این است که اساسا ما در شرایط خاصی هستیم که فعالیت‌های داوطلبانه و جمعی را بر نمی‌تابد. اما در مورد این جدول باید بگویم که فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه در آن تجمع شده است که موجب می‌شود نتایج چندان قیق نباشد. بحث مشارکت مدنی و اجتماعی در نهادهای و انجمن‌ها همه یک‌جا در نظر گرفته شده است. درهرحال نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متأسفانه جامعه ما از این جهت وضعیت بسیار فقیرانه‌ای دارد. حقیقتا اگر شما به آنچه در یک کشور توسعه‌یافته جریان دارد توجه کنید، می‌بینید که میزان مشارکت مدنی و فعالیت در امور خیریه چندین‌برابر چیزی است که در جامعه ما دیده می‌شود.

۴ آیا این نتایج آماری به این موضوع برمی‌گردد که در جامعه ایران نهادهای مدنی عملکرد ضعیفی دارند چون سیستم، اینس نهادهای را بر نمی‌تابد؟

تحقیقاتی که پیش از این روی سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی انجام شده نشان می‌دهد که در جامعه ما بی‌اعتمادی بسیار بالاست. به‌خصوص در مورد اعتماد تعمیم‌یافته در این جامعه وضعیت مطلوبی دیده نمی‌شود. اعتماد تعمیم‌یافته عبارت است از اعتمادکردن به افرادی که آنها را نمی‌شناسیم. یکی از موارد قابل‌توجه دیگر آن است که در جامعه ایرانی مسئولیت اجتماعی به‌شدت پایین است. این است که در چنین جامعه‌ای افراد حس خوبی به یکدیگر ندارد و بیشترین توجهشان به خودشان است و در نتیجه نیازها و مسائل خودشان در درجه نخست اهمیت قرار دارد.

۴ شما به اعتماد اجتماعی پایین و سرمایه اجتماعی ضعیف در جامعه ایران اشاره کردید. آیا این جامعه همیشه این‌گونه بوده است؟

خیر؛ حتی همین حس بیگانگی هم همیشگی نیست. شما همین آدم‌ها را می‌بینید که در موقعیت‌های خاص دیگری به‌شدت به هم تعلق پیدا می‌کنند. **۴** شاید اگر از دهه عاشورا و یگی، دو انتخابات صرف‌نظر کنیم، کمتر بتوان مثال‌های دیگری برای این حس تعلق اجتماعی که شما به آن اشاره می‌کنید، یافت. این‌طور نیست؟

اگر مقایسه‌ای میان جامعه ایران و غرب انجام شود می‌توان به‌سادگی مشاهده کرد وابستگی و تعلق به خانواده در جامعه ایرانی به نسبت جوامع توسعه‌یافته بسیار بالاست.

۴ بنابراین‌ظاهرا با یک تناقض مواجه هستیم. از یک طرف میزان وابستگی به خانواده و اعتماد و تعلق خاطر به این نهاد اجتماعی بالاست و از سوی دیگر، اعتماد و اعتماد توسعه‌یافته در جامعه بسیار پایین است. این

تحلیل سعید معیدفر

از نتایج طرح آمارگیری گذران وقت در نقاط شهری ایران

زنان جایی برای تفریح ندارند

نگار حسینی



عکس: فرهاد کوهی

مواجه‌اند؛ برای مثال هزینه بیمارستان افراد نیازمند یا حتی هزینه درمان حیوانات آسیب‌دیده در شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت تأمین می‌شود. آیا این به آن معناست که اعتماد تعمیم‌یافته در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد و در فضای واقعی نیست؟

براساس این پرسش شما، باید این سؤال را مطرح کرد که آیا فعالیت‌های خیرخواهانه در فضای مجازی در این تحقیق لحاظ شده است یا خیر. به‌هرحال واقعیت این است که کمک‌های خیریه‌ای الزاما این نیست که به مؤسسه‌ای پول بدهید یا جهیزیه برای نیازمندی فراهم کنید، شاید همین فعالیت خیریه‌ای را که در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود بتوان زیرمجموعه فعالیت‌های خیریه به حساب آورد.

۴ اگر به نتایج طرح آمارگیری گذران وقت اشاره کنیم، درباره زنان و مردان شاغل این نتایج می‌توان دید سهم مردان از فضای کار بیش از دوونیم ساعت در روز است و برای زنان این فرصت فقط حدود نیم‌ساعت است. با توجه به تعداد فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌ها، این تفاوت در میزان زمان کار را در دو جنس چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

در جامعه ما عملا تمایز جنسیتی و تفکیک جنسیتی در حوزه مشاغل هم معنا یافته است و این قابل‌تأمل است. پیش‌تر دیده‌ایم که در آگهی‌های شغلی این بحث وجود داشت که خیلی سریع افشا و به آن عکس‌العمل نشان داده شد و البته شکل پنهان این است که بدون اینکه بیان شود، نهایتا از جنس خاصی برای ورود به بازار کار استفاده می‌شود. قطعا این نگاه به زنان در برنامه‌ریزی ما نگاهی است که آنها را بیشتر به‌عنوان نفقه‌بگیران در نظر می‌گیرد و چون کسانی که نفقه می‌دهند باید شاغل باشند، این در ترجیحات استخدام‌ها و مسائل مشابه لحاظ می‌شود. بنابراین طبیعی است که چنین نتیجه‌ای به دست آید. اما این به آن معنا نیست که زنان طالب مشارکت در مشاغل نیستند. اساسا فرصت‌های شغلی برای آنها به‌شدت محدودتر از مردان است.

۴ در نتایج طرح سنجش آماری گذران وقت جامعه شهری ایران، می‌توان دید که مجموع زمان کار بی‌رون و داخل خانه زنان و مردان به طور تقریبی مشابه است. تفاوت در آنجاست که زنان کار خانه می‌کنند و مردان کار بیرون. درعین‌حال، زمانی که برای فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و فرهنگی اختصاص یافته است، به‌وضوح در گروه مردان بیش از گروه زنان است. این را چگونه می‌شود تحلیل کرد؟

احتمالا باز هم با توجه به اینکه در فرصت‌های فراغتی از فضاهای تفریحی تا باشگاه‌های ورزشی و مراکز ورزشی، هنری و… نگاه جنسیتی در درجه نخست اهمیت قرار دارد، مردان به‌راحتی می‌توانند فعالیت‌های فراغتی در فضاهای تعیین‌شده یا در موقعیت‌های خاصی داشته باشند در حالی‌که زنان محدودترند. بنابراین به نظر می‌رسد بیشتر فعالیت‌های تفریحی زنان پای رسانه و تلویزیون باشد. چرا؟ چون محدودیت برای آنها ندارد. به علاوه فعالیت‌های خیریه‌ای به جای تفریح و ورزش در میان زنان بیشتر دیده می‌شود؛ چون در این حوزه محدودیت ندارند.

۴ در آمارگیری گذران وقت به تفکیک میزان تحصیلات افراد، به نظر می‌رسد در افرادی که مدرک دکترا یا فوق‌لیسانس دارند، میزان مطالعه و آموختن بیشتر از افرادی است که لیسانس یا مدرک پایین‌تری دارند؛ درحالی‌که لازم است عکس این باشد. این تناقض را چگونه تحلیل می‌کنید؟ تا یک‌زمانی در عمل وقتی فعالیت‌های آموزشی جنبه تکلیفی پیدا کند، مسئله ممکن است در خودآگاهی فرد قرار نگیرد؛ یعنی در درجه اول اهمیت نباشد و فرد به ضرورت مشغول چنین کاری باشد. در دوره تحصیلات تکمیلی، کم‌کم مسئله مطالعه نه به عنوان یک الزام بلکه به عنوان یک سبک زندگی و کاری که داوطلبانه و موردعلاقه است، صورت می‌گیرد. در نظام آموزشی ما که باز دچار اشکالات جدی است، همیشه بحث تحصیل، امری الزام‌آور و اجباری است. بنابراین معمولا ما در دانشجویان کارشناسی می‌بینیم که تا حدی مسئله را تکلیفی می‌بینند و بنابراین مطالعه شب امتحانی در میان آنها اهمیت دارد. یعنی دانشجو در کلاس‌ها شرکت می‌کند اما این به آن معنا نیست که در طول ترم مطالعه می‌کند. این در حالی است که در مقاطع بالاتر کم‌کم متوجه می‌شود مسئله مطالعه و آموزش باید تبدیل به یک نوع کار داوطلبانه و موردعلاقه شود. بنابراین در این دوره افراد نیاز به پژوهش و ممارست دارند و چون احتمالا در حال نوشتن تز هستند، باید به طور دائم در حال مطالعه و جست‌وجوی مطالب باشند.

فرهنگ ایرانی

پنجشنبه • ۱۹دبهبهشت ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۷۰ • ۹

شرق روزنامه

گزارش دو

گذران وقت در شهروندان بالای ۱۵ سال

طرح آمارگیری گذران وقت، با هدف ارائه اطلاعات مربوط به شناخت نوع و زمان فعالیت‌های انجام‌شده از سوی افراد جامعه و بررسی شیوه زندگی افراد، نخستین‌بار برای یک دوره آماری یک‌ساله در فصل‌های پاییز و زمستان ۸۷ و بهار و تابستان ۸۸ انجام شد. این بررسی را دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری تهیه و طراحی و اجرا کرد. دوره آماری بعدی این طرح در فصل‌های پاییز و زمستان ۹۳ و بهار و تابستان ۹۴ در نقاط شهری انجام شد. پس از آن، با بررسی شکل جدول‌ها و نمودارها، به تحلیل شیوه گذران وقت شهروندان پرداخته شد. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به این تحقیق، وضعیت مصاحبه‌شوندگان در یک هفته پس از تاریخ پاسخ‌گویی به سؤالات بررسی شد.

برای درک بهتر نتایج این تحقیق نخست لازم است با مفهوم فعالیت در گذران وقت فرد آشنا باشیم. تمامی فعالیت‌هایی که یک فرد در شبانه‌روز انجام می‌دهد، براساس یک معیار بین‌المللی با عنوان ICATUS به ۱۵ فعالیت مختلف تقسیم می‌شود. هریک از اینس فعالیت‌ها زیرگروه‌هایی نیز دارند که کار در بخش رسمی، کار برای خانوار در فعالیت‌های تولیدی ابتدایی، کار برای خانوار در فعالیت‌های تولیدی غیرابتدایی، کار برای خانوار در فعالیت‌های ساختمانی، کار برای خانوار در ارائه خدمات برای کسب درآمد، ارائه خدمات داخلی بدون دستمزد برای مصرف نهایی در خود خانوار، ارائه خدمات مراقبتی بدون دستمزد به اعضای خانوار، ارائه خدمات به جامعه محلی و کمک به خانوارهای دیگر، فراگیری، مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری، رفتن به مکان‌ها یا بازدید از رویدادهای فرهنگی، تفریحی و ورزشی، سرگرمی‌ها، بازی‌ها و دیگر فعالیت‌های تفریحی، شرکت در ورزش‌های فضای باز و فضای بسته و دوره‌های مرتبط، استفاده از رسانه‌های جمعی، نگهداری و مراقبت شخصی از آن جمله‌اند.

براساس الگوی گذران وقت افراد ۱۵ ساله و بیشتر و براساس نتایج تابستان ۹۴، نتایج حاکی از آن است که بعد از فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی، متوسط بیشترین زمان صرف‌شده در شبانه‌روز مربوط به گروه فعالیت خانه‌داری با سه ساعت و ۲۳ دقیقه، کار و فعالیت‌های شغلی با دو ساعت و ۴۶ دقیقه و استفاده از رسانه‌های جمعی با دو ساعت و ۱۵ دقیقه بوده است، همچنین متوسط کمترین زمان صرف‌شده در شبانه‌روز مربوط به گروه فعالیت داوطلبانه و خیریه برابر با دو دقیقه بوده است. در میان مردان، بعد از فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی، متوسط بیشترین زمان صرف‌شده در شبانه‌روز به ترتیب مربوط به کار و



فعالیت‌های شغلی، استفاده از رسانه‌های جمعی و خانه‌داری بوده است. در میان زنان نیز متوسط بیشترین زمان صرف‌شده به ترتیب مربوط به گروه فعالیت خانه‌داری، استفاده از رسانه‌های جمعی، مشارکت اجتماعی، بعد از فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی در یک شبانه‌روز بوده است.

در بخشی از این بررسی، چگونگی گذران وقت در تابستان ۸۸ با تابستان ۹۴ مقایسه شده است. بررسی الگوی فعالیت‌های گذران وقت در تابستان ۹۴ نسبت به تابستان ۸۸ حاکی از آن است که متوسط زمان صرف‌شده در گروه‌های فعالیت گذران وقت در دو فصل مذکور تفاوت داشته است. بیشترین افزایش زمان صرف‌شده در تابستان ۹۴ نسبت به تابسان ۸۸ مربوط به فعالیت خانه‌داری برابر ۲۳ دقیقه و بعد از آن به کار و فعالیت شغلی برابر ۱۱ دقیقه و مشارکت اجتماعی برابر هفت دقیقه بوده است. همچنین در تابستان ۹۴ بیشترین کاهش زمان به فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی با ۲۴ دقیقه اختصاص داشته است.

در بخشی دیگر از این بررسی، الگوی فعالیت‌های گذران وقت جمعیت نقاط شهری کشور، برحسب وضع فعالیت اقتصادی بررسی شده است.

براساس نتایج بررسی، در میان شاغلان، بعد از فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی با ۱۲ ساعت و ۳۶ دقیقه، متوسط بیشترین زمان صرف‌شده در شبانه‌روز مربوط به کار و فعالیت‌های شغلی با هفت ساعت و هشت دقیقه و کمترین زمان صرف‌شده مربوط به فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه با یک دقیقه بوده است.

در فصل تابستان مردان شاغل هفت ساعت و ۲۶ دقیقه و زنان شاغل پنج ساعت و ۱۰ دقیقه از اوقات بیست‌وچهار ساعته خود را کار و فعالیت شغلی اختصاص داده‌اند. برای جمعیت بی‌کار نیز بعد از فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی با ۱۴ ساعت و ۹ دقیقه، استفاده از رسانه‌های جمعی با ۳ ساعت و ۲۹ دقیقه و فعالیت‌های خانه‌داری با ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه بیشترین و فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه با سه دقیقه، کمترین زمان صرف‌شده را به خود اختصاص داده است. بررسی گذران وقت در میان هریک از طبقات جمعیت غیرفعال اقتصادی گویای آن است که متوسط بیشترین زمان صرف‌شده مربوط به فعالیت‌های نگهداری و مراقبت شخصی است. همچنین در میان این گروه از جمعیت بعد از این فعالیت، خانه‌داران به طور متوسط بیشترین زمان خود را صرف گروه فعالیت‌های خانه‌داری با شش ساعت و ۱۹ دقیقه، محصلان صرف استفاده از رسانه‌های جمعی با سه ساعت و ۱۶ دقیقه و افراد دارای درآمد بدون کار که برای مثال شامل بانزنگستان هستند، به طور متوسط بیشترین اوقات خود را به فعالیت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی با سه ساعت و پنج دقیقه اختصاص داده‌اند.

گزارش یک

تأثیر تحصیلات و زناشویی

بررسی الگوهای گذران وقت توسط مرکز آمار ایران، به محث تفاوت گذران وقت در میان افراد با سطوح مختلف تحصیلی و وضعیت‌های متفاوت زندگی زناشویی نیز بسط پیدا کرده است. بررسی الگوی گذران وقت افراد باسواد ۱۵ساله و بیشتر گویای آن است که متوسط بیشترین زمان صرف‌شده در شبانه‌روز بعد از گروه فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی (۱۳ ساعت و ۳۰ دقیقه)، به خانه‌داری با سه ساعت و ۱۹ دقیقه اختصاص داشته است. این شاخص‌ها برای افراد بی‌سواد به‌ترتیب با ۱۴ ساعت و ۵۶ دقیقه مربوط به فعالیت نگهداری و مراقبت شخصی و چهارساعت و یک‌دقیقه مربوط به خانه‌داری است.

بررسی فعالیت‌های آموزشی و فراگیری افراد باسواد براساس سطوح تحصیلی، گویای آن است که افراد دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و دکتری حرفه‌ای با صرف متوسط زمان ۵۸ دقیقه و پس از آن افراد دارای تحصیلات کارشناسی با صرف زمان ۳۳دقیقه بیشتر از سایرین به فعالیت‌های آموزشی و فراگیری پرداخته‌اند. بررسی وضع سواد در گروه کار و فعالیت‌های شغلی نشان می‌دهد که افراد دارای تحصیلات دکتری تخصصی به‌طور متوسط با صرف زمان پنج‌ساعت و ۱۳دقیقه، بیش از سایرین و افراد بی‌سواد به‌طور متوسط با صرف زمان یک‌ساعت و ۱۳ دقیقه کمتر از سایرین به کار و فعالیت‌های شغلی پرداخته‌اند. فعالیت ورزشی در میان افراد با تحصیلات متفاوت، روند جالبی را طی کرده است؛

فعالیت‌های ورزشی در افرادی دارای تحصیلات کم، سطح پایین‌تری دارد و به‌تدریج وقتی به تحصیلات افراد بالاتر می‌رود این فعالیت‌ها افزایش پیدا می‌کند اما دوباره وقتی که تحصیلات به طرح دکترا می‌رسد، میانگین فعالیت‌های ورزشی کاهش پیدا می‌کند. کسانی که دیپلم دارند و کسانی که مدرک دکترا دارند به طور متوسط روزانه به‌ترتیب ۱۱ و ۵ دقیقه را به فعالیت ورزشی اختصاص می‌دهند اما برعکس، در میان افرادی با تحصیلات کاردانی و کارشناسی به‌ترتیب، میانگین وقت اختصاص داده‌شده به فعالیت‌های ورزشی ۲۳ و ۲۱ دقیقه بوده است.

نتایج طرح نشان می‌دهد افراد هرگز ازدواج‌نکرده بیشترین زمان را در یک شبانه‌روز پس از فعالیت‌های نگهداری و مراقبت شخصی به فعالیت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی با دوساعت و ۵۵ دقیقه، کار و فعالیت شغلی با دوساعت و ۱۹ دقیقه و خانه‌داری با دوساعت و سه‌دقیقه اختصاص داده‌اند؛ درحالی‌که افراد دارای همسر بیشترین زمان خود را پس از فعالیت‌های نگهداری و مراقبت شخصی صرف فعالیت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی با دوساعت و ۵۵ دقیقه، کار و فعالیت‌های شغلی با سه‌ساعت و ۵ دقیقه کرده‌اند. فعالیت‌های ورزشی در افراد دارای همسر ۱۳ دقیقه در روز به‌طور میانگین است و مشارکت‌های اجتماعی نیز در این افراد یک‌ساعت و دودقیقه است. از سوی دیگر، افراد هرگز ازدواج‌نکرده نیز تقریبا دارای همین میزان فعالیت اجتماعی با میانگین روزانه یک‌ساعت و سه‌دقیقه هستند. فعالیت‌های ورزشی اما در میان این افراد بیشتر و روزانه به‌طور میانگین ۲۳ دقیقه است.

فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه به‌قدری در هر دو گروه کم است که اصلا نمی‌توان آن را به شمار آورد؛ در میان افراد متاهل، فعالیت‌های خیرخواهانه و داوطلبانه تنها دودقیقه و در میان افراد هرگز ازدواج‌نکرده یک‌دقیقه است.